

خرده جنایت‌های اتوبوسی!

حین اتوبوس سواری ممکن است رفتارهای اشتباه دیگران به چشم‌مان بیاید اما گاهی حواس‌مان نیست که شاید برخی رفتارهای ما هم باعث رنجش دیگران شود؛ این پرونده خودمانی و بامزه به ما کمک می‌کند به طور همه جانبه فرهنگ اتوبوس سواری را رعایت کنیم

الناز فتحی | روزنامه‌نگار

پرونده

هواسرد است، پیاده‌روی سخت شده، رفت‌وآمد با تاکسی در بست و اینترنتی هم که هزینه‌اش بالاست. برای همین، خیلی وقت‌ها باید برویم سراغ استفاده از حمل‌ونقل شهری مثل اتوبوس که بیشتر اوقات توأم می‌شود با گلایهایی از رفتار دیگران. در حالی که ممکن است همزمان که از کارهای دیگران رنجیده شده‌ایم، خودمان به شکل دیگری رعایت حال بقیه را نکرد باشیم. فضای کوچکی مثل اتوبوس که همزمان میزبان تعداد زیادی از آدم‌ها از نسل‌ها، فرهنگ‌ها و روحیات متفاوت است ظرفیت زیادی برای دلخوری‌های عیان و مخفی دارد. تمرکز بیشتر ما هم که بر مواردی است که دیگران رعایت نمی‌کنند و چون همیشه رفتار خودمان را درست فرض می‌کنیم، احتمال اشتباه را از خودمان دور می‌دانیم و طبق عادت یک رفتار تکراری داریم. غافل از این که شاید عادت‌های همیشگی ما برای بقیه آزاردهنده باشد. برای همین همیشه به مرور جامع رفتارهای اشتباه در محیط‌هایی مثل اتوبوس نیاز داریم تا از زاویه افراد مختلف هم به ماجرا نگاه کنیم و در نتیجه همه کنار هم تجربه بهتری از سفرهای درون‌شهری داشته باشیم. پس لطفاً با تصور این که همه چیز را درباره فرهنگ اتوبوس سواری می‌دانید این پرونده را کنار نگذارید، دست‌کم این است که یک مرور دوباره با زبان طنز خواهید داشت.

دیگران را در ماجرای طلاق نوه خاله‌مان شریک نکنیم

نفر کناری نیم‌متر هم با شما فاصله ندارد اما چون فردی که پشت گوشی شماسست ممکن است صدای‌تان را خوب نشنود مدام فریاد می‌زنید و می‌گویید: «این همه سرعقد خرج کردن، حالا دختره پررو می‌گه من از اول پدرام رو نمی‌خواستم، خب چرا همون موقع نگفتی؟» البته حق دارید نگران آینده فک‌وفامیل باشید اما این ماجراها به دیگران ربطی ندارد و برای‌شان جذاب هم نیست. پس اگر ناچار به استفاده از تلفن همراه هستید، کوتاه و آرام صحبت کنید. این موضوع شامل هر نوع استفاده از گوشی می‌شود. برای گوش دادن موزیک، پادکست، تماشای فیلم و کلیپ هندزفری داشته باشید. راستش اگر همه پادکست انگیزشی شما در باره راه‌های میلیاردی شدن را گوش بدهند، دست‌زیاد می‌شود و مسیر شما در موفقیت شلوغ می‌شود.



درخواست کنید اما بدون دادوهوار

صندلی آخر اتوبوس نشسته‌اید؛ بخاری روشن است و دستگیره پنجه‌ها هم برداشته شده و هرآن ممکن است به بگیرید. توی فصل گرم‌ها همین ماجرا را به شکل دیگری با کولر داریم؛ توی دمای ۴۰ درجه، کولر اتوبوس خاموش است و از پنجه همچنان باد داغی می‌وزد که ابرو و مژه‌های آدم کز می‌خورد. بعضی‌ها در این موقعیت، همان‌طور نشسته روی صندلی، خطاب به راننده فریاد می‌کشند که آقا بخاری / کولر رو خاموش / روشن کن. صدای زیاد ماشین و سروصدای خیابان، صدای شما را به راننده نمی‌رساند و فقط گوش بقیه مسافرها را آزار می‌دهد. به علاوه اگر امکان شنیده شدن صدای‌تان هم باشد، اصلاً صورت خوشی ندارد با دادوهوار و لحن طلبکارانه چیزی را از راننده بخواهید. پس لطفاً از جای‌تان بلند شوید و درخواست‌تان را آرام و محترمانه به گوش راننده برسانید.



خانم‌ها را معذب و ناراحت نکنید

سعی کنید از مناظر خیابان لذت ببرید. اصلاً گوشی را در بیاورید و جوک‌های بی‌مزه گروه فامیلی را بخوانید، کتاب صوتی گوش بدهید، مجله بخوانید، حتی اگر نفر بغلی حوصله ندارد شما همی برایش خاطره‌ها را دوران سربازی‌تان تعریف کنید، خلاصه هر کاری دوست دارید انجام دهید اما اگر در حالت ایستاده یا نشسته ناچارید روبه‌روی قسمت خانم‌ها قرار بگیرید با نگاه‌تان، با نوع شوخی‌ها یا به هر شکل دیگری آن‌ها را آزار ندهید. قرار نیست فقط در کوچه با موتور جلوی خانم‌ها بیچید یا زیر پای‌شان ترقه بیندازید که مزاحم شده باشید. هر کاری که فرد مقابل را اذیت کند یا باعث معذب شدنش شود، مزاحمت است.



اتوبوس برای همه است

آفرین که «من کارت» می‌زنید و هزینه خدمات را پرداخت می‌کنید تا امکان استمرار آن باشد، اما با این کار شما مالک اتوبوس نشدید و همچنان اتوبوس برای همه است. پس هر چقدر هم حس شاعرانه دارید، هر چقدر دل‌تان برای عشق سابق‌تان تنگ شده، هر چقدر تحلیل سیاسی جذابی دارید روی در و دیوار و به‌ویژه پشت صندلی‌ها چیزی ننویسید. این موضوع شامل هر کاری که جمع را اذیت کند می‌شود. به‌طور مثال شوخی بلند و خنده‌های دسته‌جمعی، حتی بازوبسته کردن پنجه بدون در نظر گرفتن شرایط دیگران و... باعث می‌شود خدماتی را که باید به همه داده شود با مشکل مواجه کنید. در ضمن زانوهارا به صندلی روبه‌رو و نزدیک پای‌تان را مثل حالت ویبره تلفن همراه به صندلی جلو نزنید.



وارد مسابقه قوی‌ترین مردان نشدید

خسته هستید، کلی پیاده‌روی کردید، از سر کار برمی‌گردید، همه این‌ها قبول ولی بقیه هم از سفر تفریحی برگشته‌اند و به اندازه شما خسته هستند. برای یک صندلی خالی جنگ جهانی راه نیندازید. هل ندهید. برای رد شدن هم لازم نیست دیگران را شره‌شره کنید و از روی جنازه‌ها رد شوید. بدون برخورد فیزیکی و با خواهش لسانی می‌شود از دیگران خواست مسیر را باز کنند. متقابلاً سعی کنید مسیر دیگران را به‌ویژه به سمت در خروجی باز نگه دارید تا حتی همان خواهش لسانی را هم نشنود. تجمع بی‌دلیل جلوی در یکی از آزاردهنده‌ترین اتفاقات اتوبوس سواری است.



موقع دیدن سالمندان خودتان را به خواب نزنید

وقتی سالمندی فردی بچه‌بغل وارد می‌شود، سرتان را به علامت خواب بودن و ندیدن تکیه ندهید و به این فکر کنید که یکی از وابستگان سالخورده‌تان وارد اتوبوس شده است. دوست داشتید دیگران چه واکنشی نشان می‌دادند؟ اگر هم حال ایستادن ندارید و ریزه‌میزه هستید، کوچک‌تر بنشینید تا آن فرد جا شود. راه‌حل دیگری هم هست. دست‌کم عذرخواهی کنید و از فرد سالمند بخواهید و سایلش را به شما بدهد یا اگر بچه‌فردی که ایستاده بی‌قراری نمی‌کند بچه را روی صندلی جا بدهید. هر چند بهتر است در این حالت جای‌تان را به طرف مقابل بدهید ولی اگر به هر دلیل نشد یا نتوانستید به ابتکار جایگزین فکر کنید.



اتوبوس واقعا جای این کارها نیست

یک دختر خوب دیدید مثل قرص ماه که به‌درد پسر خواهر شوهرتان می‌خورد؛ ولی اتوبوس جای خواستگاری و سوال و جواب درباره شغل پدر و میزان تحصیلات خودش و... نیست. حتی فرصتی هم برای شناخت کافی و تشخیص درست فراهم نیست اما اگر خیلی اصرار دارید مورد خوب از دست نرود خیلی کوتاه و مودبانه از آن دختر بخواهید شماره منزلش را بدهد. اگر هم مایل نبود اصلاً اصرار نکنید. علاوه بر این اتوبوس جای بحث سیاسی، گله‌ها و روزگاری گرائی‌ها، فروش سفته، روتختی و... نیست. هر چند در همه این موارد به‌ویژه



اعصاب راننده از پولاد نیست

راننده‌ها مهربان، اهل تعامل و باحوصله هستند، شرایط کارشان را هم پذیرفته‌اند اما اعصاب پولادی ندارند. آدم‌هایی هستند مثل ما که باید حواس‌شان به رانندگی، ترافیک و خیلی چیزها باشد. پس کارت‌مان را بزنیم، به جای راننده از بقیه مسافران سوال‌های مان را بکنیم، توقع بی‌جا نداشته باشیم که خارج از ایستگاه یا بهانه دست‌شویی داشتن بچه و... نگاه دارند. راننده‌های عزیز هم قول می‌دهند یک اتوبوس با ۴۰ مسافر را برای خرید نان کنار خیابان معطل نکنند.



خفه مون کردی داداش!

هواسرد شده، پنجه‌های اتوبوس بسته است و اگر قرار باشد هر کسی با بوی بد یا دهان، زیر بغل و... فضا را امطر کند، ماشین به اتاقک شکنجه به‌سبک آلمان نازی در جنگ جهانی دوم تبدیل می‌شود. قبول داریم که اگر کفش را در بیاورید و یا هارا روی هم بیندازید صفای دیگری دارد اما برای دیگران هیچ صفایی ندارد. حتی گاهی بوی خوب هم آزاردهنده است مثل بوی غذا، نان تازه و... خب شما که همت کردید و دوپرس کوبیده خریدید با اهل منزل میل کنید زحمت بکشید، با وسیله‌ای به‌غیر از اتوبوس به منزل بروید تا قاروقور شکم بقیه را در بیاورید. شاید هم در شرایطی دیگر حساسی گرسنه‌اید و اگر فوری دست به کار نشوید، احتمالاً در ترافیک دوام نمی‌آورید و به مقصد نخواهید رسید. خب در این شرایط طبیعی است که ساندویچ ژامبون‌تان را از توی کیف در بیاورید تا حالی به معده‌تان بدهید اما خب حضار را هم از خرت‌خرت جویدن خیار شور و بوی ژامبون، بهره‌مند خواهید کرد. اگر مسیر رفت‌وآمدتان طولانی است و وسط راه به تجدید قوا نیاز دارید، بی‌خیال خوردنی‌های بودار و صدآور شوید. فکر هم نکنید کار با تعارف‌الکی زدن به دیگران یا عذرخواهی از آن‌ها بابت آلودگی بویایی و شنوایی، جمع می‌شود. از همه این‌ها مهم‌تر شاید شما قبل از سوار شدن سیگار بکشید اما بوی سیگار روی بدن و دهان شما هست و باعث آزار جدی دیگران می‌شود.



و اما نفر بغلی

شاید نفر بغلی ماحوصله‌گپ‌زدن یا شنیدن خاطرات ما را نداشته باشد، خلوتش را به هم نریزیم. حریم فیزیکی‌اش را حین نشستن و ایستادن رعایت کنیم، هر چه در گوشی‌اش می‌بیند، کاملاً به خودش مربوط است. کیف روی صندلی کناری مان نگذاریم. برای کسی که ایستگاه بعدی می‌خواهد سوار شود، جا نگیریم. اگر کسالت داریم، ماسک بزنیم حتی اگر در حد یک عطسه ساده باشد.



ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه ۱۴ دی ۱۴۰۱

۱۱ جمادی الثانی ۱۴۴۴ • ۴ ژانویه ۲۰۲۲

شماره ۲۱۱۲۳

۳۳۴۳